

## اجر در گمنامی است

ده ماه بود ازش خبری نداشتیم. مادرش می گفت:  
«آقا! پاشو برو بین چی شد این بچه؟ زنده س؟  
مرده س؟» می گفتم: «کجا برم دنبالش آخه؟ کار و  
زندگی دارم خانوم. جبهه که یه وجب دو وجب  
نیس. از کجا پیدااش کنم؟»

رفته بودیم نماز جمعه. حاج آقا آخر خطبه ها  
گفت حسین خرازی را دعا کنید! مادرش گفت:

«حسین مارو

می گفت؟» گفتم: «چی شده که

امام جمعه هم می شناسدش؟» نمی دانستیم  
فرمانده لشکر اصفهان است.

